

کوچ و جابه‌جایی فصلی در بین رمه‌گردانان البرز شرقی

دکتر حسین بارانی*

تاریخ دریافت: ... ۸۲/۲/۲

تاریخ پذیرش: ... ۸۲/۳/۲۵

خلاصه

اقتصاد شبانی بر جابه‌جایی و کوچ بنا شده است. کوچ با همه زیبایی که برای تماشاچیان دارد، برای کوچندگان توأم با مصائب کوچک و بزرگ است. به دلیل مشکلات کوچ خانواده در همراهی با گله و دشواری‌های دیگر در زندگی کوچی، نظام عشیره‌ای در حال تبدیل به رمه‌گردانی دانسته می‌شود. با این حال، بسیاری از ابعاد و زوایای کوچ عشیره‌ای در تحقیقات مردم‌شناسان آشکار شده است. لیکن کوچ رمه‌گردانان تاکنون مورد کاوش واقع نگردیده است. در این مقاله که حاصل پژوهش مشارکتی نگارنده در همراهی با دو گروه رمه‌گردان در خلال کوچ است، کوچ پیاده و کوچ ماشینی این گله‌داران مورد تحلیل و پنج جنبه از کوچ رمه‌گردانان یعنی مسیر و نحوه کوچ، ساختار گروه در خلال کوچ، تسریع و توقف کوچ، کوچ و وسائط

تقلیه و کوچ و اعتقادات در مقایسه با کوچ عشیره‌ای و متناسب با موضوع و حجم مقاله مورد بحث قرار گرفته است. در پایان بر اساس یافته‌های نگارنده و در مقایسه با یافته‌های دیگران در باب کوچ عشیره‌ای، روال کوچ به مراحل مشخص تقسیم گردیده است.

واژگان کلیدی: کوچ، شبانی، رمه گردانی، البرز شرقی

مقدمه و هدف

کوچ به معنای جابه‌جا شدن از مکانی به مکان دیگر، جوهر نظام‌های معشیتی است که با نام‌های عشایری، کوچندگی، نیمه کوچندگی و رمه گردانی شناخته می‌شوند. بی تردید آن چه این نظام‌ها را از یک‌جانشینی جدا می‌سازد وجود نوعی جابه‌جایی دوره‌ای است. کوچ را می‌توان پدیده‌ای دانست که از تطابق گروه‌های انسانی با محیط حاصل شده است. این پدیده دارای دو روی متفاوت است: یک روی پذیرفتنی و دلچسب و یک روی گریختنی و دل‌آزار. کوچ از آن جهت که بقای معشیت کوچندگان را تضمین می‌کند و موجبات بهره‌مندی کوچندگان از دو اقلیم متفاوت را به دنبال دارد، پذیرفتنی و حتی دل‌انگیز است. کوچ بهاره هر چند دشوار باشد، شور و شوقی دارد برای رسیدن به چشم اندازهای آکنده از گل‌های رنگارنگ بهاری، هوای خوش، دوغ گوارا و کره لذیذ و بی‌پایان. درک لذت چنین نعماتی است که صاحبان ذوق را واداشته است تا کوچ را در اشعار خود شورانگیز و خوشفرجام تصویر نمایند (بهداروند، ۱۳۶۸؛ هرمزی، ۱۳۶۹؛ رئیس، ۱۳۶۹). اما روی دیگر کوچ یادآور حوادث گوناگونی است که حتی تخیل آن تأثیربرانگیز است:

● چنان‌چه پیری ناتوان در اردوی کوچ بود که نگهداری آن زحمت ایجاد می‌کرد و کوچ را با مشکل مواجه می‌ساخت، می‌بایست از اردو جدا می‌شد. بنابراین وی را همراه با مقداری غذا در غاری که غرب‌خانه‌اش می‌خواندند، می‌نهادند، جلوی غار را دیواری از سنگ و گل می‌ساختند و در میان شیون زنان و کودکان رهایش می‌کردند تا بتوانند به کوچ ادامه دهند (سام‌آرام، ۱۳۷۲).

● چنان‌چه مرگ نابهنگام جوانی در مسیر کوچ و درحالی روی می‌داد که خانواده به تنهایی

در مسیر کوچ قرار گرفته بود، نزدیکان ناچار بودند پس از ساعاتی شیون پیکر عزیز از دست رفته‌شان را در گوشه‌ای از حاشیه ایلراه در فضای اندوهناک کوهستان به خاک و سنگ بسپارند و راه کوچ را در پیش گیرند (انصاری، ۱۳۷۸).

● چنان‌چه زنی پابه‌زا را در مسیر کوچ و در حالی درد زایمان فرا می‌گرفت که قابله‌ای در دور و بر نبود به ناچار باید خودش قابله‌ خویش می‌شد، ناف کودک را به سنگی می‌برید و دیر یا زود آماده کوچ می‌گردید (کریمی، ۱۳۶۹).

شاید آزرده‌گی از چنین مصائبی است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به ساماندهی و توسعه زندگی عشایر و پژوهشگران را به پیش‌بینی جایگزین‌شدن رمه‌گردانی به جای کوچ عشیره‌ای کشانده است (بنگرید به: طاهری، ۱۳۷۱؛ بخشنده نصرت، ۱۳۷۱؛ حاجتی، ۱۳۷۱؛ جمشیدیان، ۱۳۶۹؛ امیراحمدی، ۱۳۶۹). در هر حال، جامعه‌ عشایری در حال تحول است (موسوی‌نژاد، ۱۳۶۹؛ بونت و همکاران، ۱۳۷۵؛ قرخلو، ۱۳۶۸). بالطبع، کوچ در آینده‌ای نه چندان دور به سبک و سیاقی دیگر انجام خواهد شد (مجیدی، ۱۳۷۸؛ کریمی، ۱۳۷۰؛ میرشکاری، ۱۳۶۸). کوچ عشیره‌ای یا همراهی خانواده با گله که شکل رایج کوچندگی در سده‌ها و دهه‌های گذشته بوده است، توسط محققان مردم‌شناس یا جغرافیدانان مورد بررسی قرار گرفته است. حسینی‌کازرونی (۱۳۶۲؛ ۱۳۷۷) در فاصله چندین سال در همراهی با دو کوچ بهار به بررسی و ثبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه کوچ در بین عشایر غرب ایران پرداخته است. مردم‌شناسان دیگر نیز چنین کوچ‌هایی را تجربه و وصف کرده‌اند (امان‌الهی، ۱۳۷۸؛ دیگران، ۱۳۶۹). اما آن‌چه نگارنده در این مقاله به آن می‌پردازد، از چند جهت با بررسی پیشینیان تفاوت پیدا می‌کند:

الف - در حالی که رمه‌گردانی حالتی جایگزین برای چادرنشینی و کوچندگی عشیره‌ای تلقی می‌شود، تا به حال مورد توصیف و تحلیل قرار نگرفته است. هر چند کوچ در بین عشایر سنگسری که شکلی مشابه با رمه‌گردانی دارد توسط شاه‌حسینی و رنجبر (۱۳۷۷) به نوعی مورد بررسی قرار گرفته، لیکن شناخت کوچ رمه‌گردانان از ابعاد و زوایای گوناگون ضرورتی کامل دارد.

ب - بررسی‌های انجام شده در خلال کوچ عمدتاً در همراهی با خانواده‌ها یا کاروان به انجام رسیده است نه در همراهی چوپانان. در این بررسی سعی شده است تا به امور گله توجه بیش‌تری به عمل آید.

ج - با این که کوچ ماشینی در نگاه اول ساده تلقی می‌شود و بالطبع در خورتحقق دانسته نمی‌شود، نگارنده کوچ ماشینی یک گروه از شبانان با یک گله سنگین را نیز از مقدمه تا مؤخره به مدت یک هفته همراهی نموده است.

د - با توجه به علاقه و زمینه دانشگاهی نگارنده در باب امور چرا و گله و ضرورتی که برای ثبت آن‌ها احساس کرده است، جنبه‌های به اصطلاح فنی با حساسیت بیش‌تری مدنظر نگارنده قرار گرفته‌اند.

روش بررسی

بررسی حاضر در بین گله‌داران یا به عبارتی رمه‌گردانان البرز شرقی صورت گرفته است. کوچ پیاده در مهرماه ۱۳۷۹ به مدت چهارده شبانه‌روز از آغاز تا پایان از مراتع بیلاقی روستای میغان (meyqan) در شمال شهرستان شاهرود در استان سمنان تا مراتع قشلاقی روستای لهندر (lohondar) در شمال شرقی شهرستان کلاله در استان گلستان در همراهی با شبانان همکوج بلوک^(۱) مرحوم حاج سید میرزا حسینی^(۲) گله‌دار میغانی و کوچ ماشینی در دی‌ماه ۱۳۷۹ به مدت هفت شبانه‌روز از مقدمه تا مؤخره از مراتع روستای زیارت در جنوب شهرستان گرگان تا مراتع روستای حاجی قوشان در شمال شهرستان کلاله در استان گلستان در همراهی با شبانان بلوک حاج صادق کاوه مورد مشاهده و مصاحبه قرار گرفته است. پژوهش به شیوه مشارکتی انجام شده و نکات حاصل از مشاهده و مصاحبه در دفترچه‌هایی یادداشت و با پرس‌وجو از

۱- بلوک (boluk) در این‌جا به معنای گله بزرگی است که از آمیختن گله‌های کوچک‌تر حاصل شده است و در کلام متعلق به صاحب اکثریت دانسته می‌شود.

۲- ایشان در هنگام کوچ پاییزه مهرماه ۱۳۷۹ در قید حیات بودند، به نگارنده اجازه دادند تا کوچ را همراهی کند و در طول کوچ همواره عنایاتی پدرانانه داشتند. خدایش رحمت کند.

دیگر گروه‌های رمه‌گردان تدقیق شده است.

حاصل بررسی

از آن‌جا که در شرح جزئیات کوچ رمه‌گردانان به برخی عناوین شغلی اشاره می‌شود، لازم است قبل از پرداختن به روال کوچ، ساختار گروه‌های رمه‌گردان به اختصار معرفی گردد تا از ابهام محتمل مطالب کاسته شود.

اقتصاد شبانی در مقایسه با کشاورزی و صیادی یکی از شیوه‌های معیشت متکی بر محیط طبیعی است که در عمل به یکی از دو شکل عشیره‌ای و رمه‌گردانی تجلی پیدا می‌کند. رمه‌گردانان البرز شرقی گله‌دارانی هستند که به پرورش گوسفند و بز می‌پردازند و گله خود را حداقل در بخشی از سال در عرصه مراتع ملی می‌چرانند. ویژگی برجسته این گروه‌های انسانی در مقایسه با ایلات بختیاری، قشقایی، شاهسون و نظایر آن عدم مشارکت زنان در امور گله‌داری است. بنابراین تمام امور گله توسط مردان به انجام می‌رسد. گله‌دار نیز یا گله را همراهی می‌کند یا آن‌که در هدایت گله صرفاً از چوپانانی^(۱) استفاده می‌کند که خانواده خویش را در یکی از مناطق شهری یا روستایی سکونت داده‌اند. ایشان در پایان هر ماه یا به نحو دیگری که با ارباب توافق کرده باشند، از مرخصی استفاده می‌کنند و در کنار خانواده حضور می‌یابند. در کنار گله نیاز به پخت‌وپز و آب‌وجارو کردن قرارگاه یا منزل، چوپانان را به تقسیم کار وامی‌دارد. عده‌ای امور گله را بر عهده دارند که چوپان^(۲) نامیده می‌شوند و عده‌ای امور جایگاه را به انجام می‌رسانند که منزلبان و در خلال کوچ مالبان^(۳) خوانده می‌شوند. با این توضیحات اکنون به

۱- در این‌جا چوپان به معنای رعیت یا مزدبگیر حشم‌دار است، متناظر با دهقان که رعیت یا مزدبگیر زمیندار است.

۲- در این‌جا چوپان به معنای گله‌بان و هدایت‌کننده گله در چراگاه است، در مقابل منزلبان که کار منزل یا جایگاه را عهده‌دار است.

۳- مال به معنای اسب و قاطر است و مالبان به مسئول مراقبت و بارگذاری ملال‌ها در خلال کوچ مالبان گفته می‌شود.

کوچ در بین رمه گردانان پرداخته می‌شود.

تقویم کوچ، چه بهاره و چه پاییزه ماه معلومی دارد، ولی روز آن پس و پیش می‌شود. هنگامی که عوامل محیطی نظیر گرما یا سرمای پاییزه و عوامل انسانی نظیر اخطار اداره منابع طبیعی اجازه اقامت بیش تر را ندهند و انگیزه جابه‌جایی شوند، تصمیم به کوچ عینیت می‌یابد. کوچ به دو شکل پیاده و ماشینی صورت می‌پذیرد.

کوچ پیاده

کوچ پیاده را می‌توان واجد سه مرحله مشخص و متمایز از هم دانست: مقدمه کوچ، خلال کوچ و مؤخره کوچ. اینک هر یک به اختصار توضیح داده می‌شود.

الف - مقدمه کوچ: مقدمه کوچ عبارتست از ایجاد آمادگی لازم برای شروع کوچ. آمادگی برای کوچ موارد زیر را در بر می‌گیرد.

رسیدگی به امور گله: سه مورد برجسته در رسیدگی به امور گله قبل از کوچ وجود دارد. یکدست کردن گله، رسیدگی به بهداشت و درمان گله، انتظار برای از نرکل درآمدن^(۱) گله در کوچ پاییزه.

یکدست کردن گله - در کوچ پاییزه میشینه‌های پیر یا کم‌سن و در عین حال ناخوش راه سختی را در پیش دارند. از این رو دام‌های ناتوانی که حرکت کل گله را در مسیر کوچ تحت تاثیر قرار می‌دهند و موجبات اذیت چوپانان را فراهم می‌سازند از گله جدا و در کنار منزل مسکونی^(۲) نگهداری می‌شوند یا آن‌که با وسیله نقلیه‌ای که اثاثیه لازم را به قشلاق می‌رساند حمل می‌شوند یا به فروش می‌رسند. در کوچ بهاره در مواردی که تقویم زایش برای اول چله یا قبل از آن تنظیم شده باشد و بره‌ها در وسط بهار سن و وزن نسبی فروش پیدا کرده باشد، حذف

۱- نر (nar) به معنای قوچ و کل (kal) به معنای نر بز و نرکل انداختن یعنی آمیختن نرینه‌های بالغ به قصد جفت‌گیری و از نرکل درآمدن نیز یعنی پایان جفت‌گیری.

۲- هر گله‌دار در حیاط منزل مسکونی خویش در روستای محل سکونت، فضا و امکاناتی را برای پشتیبانی گله و گله‌داری در اختیار دارد.

و فروش آن‌ها ارجحیت داده می‌شود چراکه اگر در گله بمانند، در خلال کوچ زحمت چوپانان را زیاد کرده، احتمال گرگزدگی را افزایش داده و چنان‌چه مسیر کم‌علف باشد چه بسا لاغرتر نیز بشوند. وانگهی با رسیدن به ییلاق، علوفه و چراگاهی نیاز خواهند داشت که در صورت محدودیت چراگاه موجبات فشار چرا را نیز فراهم می‌سازند.

بهداشت و درمان گله - برخی گله‌داران به این نکته توجه دارند که واکسن علفی^(۱) باید قبل از تغییر چراگاه زده شود. از این رو قبل از حرکت اقدام به واکسن زدن می‌نمایند. همچنین اگر علائم وجود انگل‌های خارجی یا داخلی را مشاهده نمایند، ترجیح می‌دهند قبل از کوچ به مداوای آن بپردازند تا در خلال کوچ دام‌هایشان لاغر و به اصطلاح شل^(۲) نشوند.

انتظار برای از نرکل درآمدن گله در کوچ پاییزه - دوره نرکل انداختن در دامنه جنوبی البرز معمولاً شهریور ماه و کوچ پاییزه نیز در مهرماه است و علی‌القاعده باید رمه قبل از کوچ از نرکل در آمده باشد یا به عبارتی دوره جفت‌گیری به خوبی پایان یافته باشد. چون این عقیده وجود دارد که چنان‌چه چراگاه گله در دوره نرکل خوردن عوض شود، امکان پی‌ورش^(۳) وجود دارد؛ از سوی دیگر، چون نرها در دوره جفت‌گیری احتیاج به تغذیه کمکی دارند، حمل خوراک برای هر وعده این نرها می‌تواند زحمت زیادی را برای مالبانان به دنبال داشته باشد.

رسیدگی به امور منزل: اسباب و لوازمی که در طول سفر یا کوچ نیاز نباشد جدا شده، در انبار جایگاه قرارداده شده، درب آن چفت و بست می‌گردد. در مواقعی نیز جلوی درب آن با سنگ و گل دیوار می‌شود یا آن‌که لوازم موجود با وسیله نقلیه‌ای به انباری که در کنار منازل مسکونی واقع است، حمل می‌گردد. از سوی دیگر، اسباب و لوازم مورد نیاز در خلال کوچ نظیر چای، برنج، آرد، نمک، داروهای ضروری و نظایر آن تهیه شده در اختیار منزلبانان قرار می‌گیرد. همچنین مال‌ها را نعل می‌زنند یا نعل آن‌ها را تازه می‌کنند تا در طی مسیر آزار نبینند.

۱- شبانان بیماری آنروتوکسومی را علنی و واکسن آن را نیز چنین خوانند.

۲- شل (sel/sol) به معنای ضعیف و ناتوان و صفت دامی با این خصوصیات

۳- پی‌ورش (peyvareš): عدم استقرار جنین و میل به جفت‌گیری مجدد مادینه‌هایی که تصور می‌شد بارور شده‌اند.

ب - **خلال کوچ:** اولین روز کوچ روز حرکت خوانده می‌شود و سعی بر آن است تا روزی سعد یا غیر نحس باشد. در روز حرکت چوپانان یا گله بانان اسباب و اثاث خود نظیر ظروف و لوازم چای، مقداری داروی ضروری، نم‌دچو خا^(۱) و نظایر آن را بر الاغ‌های همراه گله بار می‌کنند. مالبانان نیز وسایل لازم کوچ و همچنین آب و هیزم لازم در اولین منزل را برای بستن بر مال‌ها آماده می‌نمایند. پس از خوردن نان و چای ظهر چوپانان گله را آب نشان داده^(۲) به سمت مقصد یا منزلی که برای اقامت شبانه با مالبانان توافق کرده‌اند، چراچرا پیش می‌رانند. مالبانان نیز پس از جمع کردن سفره و ظروف، شست‌وشوی ظروف و... بارها را بر مال‌ها بسته، آخرین واری‌ها را انجام داده، به سمت منزل یا مکان اتراق شبانه حرکت می‌کنند. کم‌کم به کنار گله که در حال چرا است می‌رسند و در صورت لزوم چند کلامی با چوپانان صحبت می‌کنند. راه را ادامه می‌دهند و قبل از غروب آفتاب به آن منزل می‌رسند. چنان‌چه هیزم نداشته باشند جمع‌آوری می‌کنند و شام و چای را فراهم می‌سازند تا چوپانان به همراه گله از راه برسند. هنگام صرف شام، اوگاه^(۳) یا اتراقگاه ظهر فردا بین چوپانان و مالبانان گفتگو و مرور می‌شود. پس از صرف شام چوپانان موارد کسری خود نظیر نان، قند، چای و... را رفع و معمولاً بی درنگ جملگی در منزلگاه استراحت می‌کنند. چوپانان در سحرگاه گله را حرکت داده مقداری از مسیر را که مناسب بداندند پیش رفته، در جایی آتش روشن کرده، نان و چای صبحانه را دور از مالبانان صرف می‌کنند. مالبانان نیز پس از صرف نان و چای صبحانه مال‌ها را بار و به سمت اوگاه حرکت می‌کنند. از کنار گله و چوپانان می‌گذرند و در کنار اوگاه مقرر باری می‌گیرند. نان و چای ظهر را فراهم می‌دارند تا گله و چوپانان از راه برسند. پس از آب‌نشان دادن و صرف نهار، چوپانان

۱- نم‌دچو خا (namadcuxa) بالاپوش نم‌دی چوپانان در البرز شرقی که به کپنک شباهت بسیار دارد اما از نظر اندازه، نوع پشم و مالیدن متفاوت است.

۲- آب نشان دادن: بردن گله بر سر آب ولو آن‌که به خاطر آبدار بودن علفه یا ریزش ملایم باران و... علایم تشنگی در دام‌ها آشکار نشده باشد.

۳- اوگاه (owgah) مکانی که واجد آب برای رفع تشنگی دام‌ها است. در مسیر کوچ به معنای اتراقگاه نیمروزی است.

گله را چراچرا به سمت منزل بعدی حرکت می‌دهند و مالبانان نیز پس از پرکردن مشک‌ها و احیاناً برداشتن هیژم به سمت منزل دوم روانه می‌گردند. این روال شبانه‌روزی کوچ ادامه می‌یابد تا پس از طی منازل و اوگاه‌ها به مقصد برسند. مسیر کوچ، منازل و اوگاه‌های مربوط به هر گله بین بیلاق و قشلاق معلوم و به خصوص اوگاه‌ها ثابت هستند. از اوگاه‌ها و منازل هم در کوچ پاییزه و هم در کوچ بهاره استفاده می‌شود. روال کوچ پاییزه و بهاره در حال حاضر یکسان است با اندک تفاوتی در حرکت گله‌ها. گله در بهار آمیخته‌ای است از رمه و خلامه^(۱) که هر روز عصر یا هم قاتی شده، به آرامی به سمت منزلگاه شب که در نزدیکی است رانده می‌شوند. شب نیز این دو لنگه با هم قاتی و احیاناً با هم به شب‌چر برده می‌شوند، ولی روزها در ساعات قبل از ظهر از هم جدا می‌شوند. رمه ساعتی چرانده می‌شود. پس از صرف نان و جای ظهر و آب‌نشان‌دادن به دام‌ها هر کدام از لنگه‌ها جداگانه به سمت منزل شب هدایت می‌شوند. در منزل شب طبق روال همه روزه با هم آمیخته می‌شوند. روال بدین نحو ادامه می‌یابد تا به جایگاه بیلاقی برسند. در خلال کوچ چه پاییزه و چه بهاره ارباب، فرزند یا نماینده وی یا هرکس که با او قرار گذاشته باشند، در محل‌های معلومی به گله سرکشی می‌کند و کم و کسری چوپانان و منزلبانان را به آنان می‌رساند. چنانچه دامی ناتوان از ادامه راه شده باشد نیز به این شخص سپرده می‌شود تا با وسیله نقلیه جابه‌جا شود. در مواردی که گله‌دار خود همراه گله حرکت می‌کند یا چنانچه یکی از چوپانان یا مالبانان پول و اجازه خرج کردن آن را داشته باشد در روستاهای بین راهی برخی مواد خوراکی یا دیگر لوازم مورد نیاز را در طی چند ساعت تهیه می‌نماید. تجربیات کوچ بسیار است. گله‌داران رعایت برخی نکات را در خلال کوچ حیاتی می‌دانند که از آن جمله موارد زیر ذکر می‌گردد:

● حداقل یک چوپان و یک منزلبان باید با مسیر کوچ آشنا باشد تا بیراهه نروند و به کمبود مواد غذایی و اتلاف وقت و... گرفتار نگردند. آشنایی با مسیر برای چوپانانی که گله را چرپایش می‌برند یک ضرورت است تا در هوای مه‌آلود قادر به هدایت گله و رساندن آن به اوگاه یا

۱- خلامه (xalameh) لفظی است که برای اطلاق به بره و بزغاله بدون تفکیک نوعی آن‌ها به کار می‌رود.

منزلگاه باشند.

● همواره لازم است چوپانان و مالبانان در انتخاب مسیر و به خصوص منزلگاه یا اترافگاه شب هماهنگ باشند تا از همدیگر جدا نیفتند و به مشکلی برخورد نکنند.

● آشنایی با گیاهان و رویشگاه‌های مسیر کوچ ضرورت دارد تا از عوارض ناخواسته‌ای نظیر مسمویت دام‌ها جلوگیری شود. به عنوان مثال عرصه‌هایی از مسیر کوچ رمه‌گردانان البرز شرقی که از نزدیکی پارک ملی گلستان می‌گذرد واجد گیاه سمی اردلوک^(۱) است که دام‌ها برای رفع شورازی^(۲) از آن می‌چرند. شبانان با خود نمک حمل کرده، قبل از رسیدن گله به این عرصه به گله نمک می‌دهند تا برای رفع شورازی به این گیاه سمی مراجعه نکنند. در مواردی که این نکته رعایت نشده، تلفات سنگینی به گله وارد شده است.

● در کوچ پاییزه به علت کوتاهی طول روز و نیز کمبود علوفه مرتعی امکان گرسنه ماندن و راه گرفتن گله در شب وجود دارد. بنابراین سعی می‌کنند حتماً گله را یکی دو ساعت در شب بچرانند و از سیر شدن دام‌ها اطمینان حاصل کنند. چوپانانی که به این نکته کم‌تر توجه کرده‌اند، شرایط راه گرفتن و گرگی شدن گله را فراهم کرده‌اند. پیمودن بخشی از مسیر به صورت شب‌چر هم موجبات سیر شدن گله را فراهم می‌آورد و هم رسیدن به اترافگاه بعدی را آسان‌تر می‌کند.

ج - مؤخره کوچ: پس از رسیدن به مقصد یعنی جایگاه قشلاقی یا ییلاقی و در صورت امکان قبل از رسیدن گله در انبار گشوده می‌شود و اسباب و لوازم موجود در آن در دسترس قرار می‌گیرند. نیز جایگاه آب و جارو می‌شود و جاهای لازم آن ترمیم می‌گردد. چنانچه آغل احتیاج به سمپاشی داشته باشد این کار انجام می‌گیرد. اگر حصار و پرچینی لازم باشد، سرشاخه‌های لازم فراهم و چیر مربوط ایجاد می‌شود. ابزار و لوازم مورد نیاز از روستاهای همجوار تهیه می‌گردد و در صورت نیاز به تغذیه تکمیلی در جایگاه قشلاقی، علیق لازم بلافاصله تهیه و به انبار جایگاه منتقل می‌شود. به مجموعه این امور که برای آماده کردن جایگاه به قصد اقامت

۱- اردلوک (Anabasis aphylla) گیاهی پایا از تیره شور (Salsolaceae)

۲- شورازی (Šurazi) سائقی نظیر تشنگی یا گرسنگی به معنای نمک‌خواهی دام.

چند ماهه صورت می‌گیرد و ممکن است چند روز و گاهی تا دو هفته به طول انجامد جاگرم کردن می‌گویند.

کوچ ماشینی

مقدمه و مؤخره کوچ ماشینی با پیاده تفاوتی ندارد. تفاوت در مسیر کوچ است که جاده ماشین‌رو جای عرصه چراگاهی را می‌گیرد. اما نکته مهم آن است که کوچ ماشینی نیز در ابتدا و انتهای مسیر، کوچ پیاده - هر چند با مسافت کم - ضرورت پیدامی‌کند. با این اشاره، مسیر کوچک ماشینی یک گله را می‌توان به سه قسمت جدا از هم تفکیک کرد: مسیر قبل از ماشین، مسیر ماشین‌رو و مسیر بعد از ماشین. از محل جایگاه بیلاقی یا قشلاقی تا محلی که ماشین گله را سوار یا پیاده می‌کند، ممکن است مسافتی طولانی باشد و حتی نیاز به یک یا چند شب اقامت در راه باشد. مسیر قبل از ماشین به محل بار کردن ختم می‌شود که شایسته است تا جای امکان واجد عوارضی باشد که به عنوان سکویی در بار کردن استفاده شود. در مقصد نیز وجود چنین عوارضی کار را راحت‌تر می‌کند. در هر حال گله باید شب در جایی استراحت کند که قرار است کامیون‌ها از آن نقطه گله را جابه‌جا کنند. کامیون‌ها سحرگاه در مکان توافق شده حاضر می‌شوند. این کامیون‌ها الزاماً اتاقی دو طبقه دارند تا تعداد متناسبی از دام‌های گله را در خود جای دهند. در بار کردن ابتدا اسباب و اثاث همراه که در مقصد مورد نیاز خواهند بود در قسمت بار کامیون‌ها روی هم گذاشته می‌شود. سپس بزینه‌ها با کل کشیدن^(۱) به طبقه پایین هدایت می‌شوند تا در فضای مورد نظر قرار گیرند. در نهایت، میشینه‌ها را با دست می‌گیرند و به طبقه بالا می‌فرستند. پس از آن‌که بار کردن دام‌ها پایان گرفت یک نفر از چوپانان در طبقه پایین مستقر می‌شود تا از وضعیت دام‌ها آگاهی داشته و با اطلاع دادن راننده، از تلفات احتمالی پیش‌گیری نماید. کامیون با احتیاط لازم و سرعت مناسب حرکت می‌کند تا به مقصد برسد. در محل مذکور گله و اسباب و اثاث را پیاده می‌کنند و بقیه راه را به شکل دیگری ادامه می‌دهند. گله

۱- کل کشیدن (kal kešidan): راندن نرینه‌های پیشاهنگ بدین منظور که بقیه گله به دنبال آن‌ها حرکت کنند.

پیاده و اسباب و اثاث با تراکتور، وانت بار یا با چهارپایان به مقصد رسانده می شود.

بحث و مقابله

در این قسمت مقاله، پنج وجه از کوچ رمه گردانان یعنی مسیر و روال کوچ، هم کوچی و تسریع و توقف کوچ، کوچ و وسائط نقلیه، و کوچ و اعتقادات در بندهای جداگانه با کوچ عشیره‌ای مقابله و بحث می شود.

الف - مسیر و روال کوچ

درباره نحوه و مسیر کوچ عشیره‌ای گزارش‌های متعدد و پراکنده‌ای وجود دارد. مقدمه کوچ از سوی امان‌اللهی (۱۳۷۸) و ترکمان (۱۳۶۹) به عنوان کارسازی معرفی شده است. کارسازی، تهیه و تدارک لوازم قبل از کوچ خوانده شده است. روال و مسیر کوچ عشیره‌ای نیز در کوچ‌های بهاره توسط مردم‌نگاران و مردم‌شناسان بررسی و ثبت شده است (بنگرید به: حسینی کازرونی، ۱۳۶۲؛ حسینی کازرونی، ۱۳۷۷؛ کیاوند، ۱۳۷۴؛ امان‌اللهی، ۱۳۷۸ و دیگران، ۱۳۶۹). آنچه در نحوه حرکت در کوچ‌های عشیره‌ای مشترک است آن است که گله و کاروان سحرگاه اترافگاه را ترک می‌کنند و در نیمه روز به اترافگاه بعدی می‌رسند. نیمه دوم روز و شب منتهی به آن را در آن اترافگاه می‌گذرانند. اترافگاه‌های مذکور واجد آب و چراگاه است و برای اقامتی کم‌تر از یک شبانه روز مکان مناسبی است. لیکن رمه‌گردانان آن‌گونه که بیان شد، هر دو نیمه روز را راه‌پیمایی می‌کنند و البته گله از درون عرصه‌های چراگاهی و آرام آرام طی مسیر می‌کند. در ثانی مکان آب‌نشان دادن به گله متفاوت از مکان استراحت یا اتراف شبانه است. اترافگاه‌های شبانه در مسیر کوچ عشیره‌ای نام‌های مختلفی دارد. نزد بختیاری‌ها وارگه (کیاوند، ۱۳۷۴؛ دیگران، ۱۳۶۹؛ کریمی، ۱۳۶۸)، نزد عشایر بویراحمندی ورد (حسینی کازرونی، ۱۳۶۲)، در لرستان مالگه (امان‌اللهی، ۱۳۷۸)، نزد عشایر کرد شمال خراسان منزلگاه (پاپلی یزدی، ۱۳۷۱) و نزد سنگسری‌ها منزل (شاه‌حسینی و رنجبر، ۱۳۷۸) نامیده می‌شود. طول کوچ بر اساس تعداد و مسیر کوچ نیز بر اساس ذکر متوالی اترافگاه‌ها معلوم می‌گردد (کیاوند، ۱۳۷۴؛ پاپلی یزدی،

۱۳۷۱؛ شاه‌حسینی و رنجبر، ۱۳۷۸). رمه‌گردانان البرز شرقی نیز هر چند طول کوچ و حتی مسیر عمومی کوچ را بر اساس منازل توصیف می‌کنند لیکن اشاره به منزل صرفاً مکان اقامت شبانه را معرفی می‌نماید و مسیر دقیقی را که کوچندگان رمه‌گردان بین دو منزل برای آب‌نشان دادن گله و استراحت نیمروزی پیموده‌اند نشان نمی‌دهد. از این رو ذکر دقیق مسیر کوچ - که آن را راه پی^(۱) نیز می‌خوانند - صرفاً بر اساس منازل میسر نیست. شکل کامل توصیف مسیر کوچ ذکر متوالی و یک در میان منازل و اوگاه‌هایی است که از مبدأ تا مقصد پیموده می‌شوند. رمه‌گردانان خود نیز مسیر دقیق کوچ را چنین توصیف می‌نمایند. به عنوان مثال مسیر کوچ رمه‌گردانان میغانی از مراتع قشلاقی شان در روستای لهندر - واقع در شمال پارک ملی گلستان - تا مراتع بیلاقی سلطان میدان - در شمال شاهرود - به قرار زیر توصیف می‌گردد:

ظهر اول حرکت، شب اول تخته سنگی، ظهر دوم آب چالباش، شب دوم چفت سید ابراهیم، ظهر سوم آب پای جوزا، شب سوم سرگردنه بادبر... ظهر سیزدهم آب قطری، شب سیزدهم کوه ابر، ظهر چهاردهم آب برام بران، شب چهاردهم گدار مرز میدان، ظهر پانزدهم سر آرام.

درباره رسیدن به مقصد و مؤخره کوچ که رمه‌گردانان با نام جاگرم کردن از آن یاد می‌کنند، تنها ترکمان (۱۳۶۹) مطالبی ذکر کرده ولی از آن با نام خاصی یاد نکرده است.

ب - هم‌کوچی و ساختار گروهی در کوچ

در بین کوچندگان عشیره‌ای، واحد فوق خانواده یا اردو عبارت است از مجموعه‌ای از چند خانواده که به نوعی باهم خویشاوند هستند و بسیاری از امور اجتماعی و معیشتی خود را با هم و در همکاری و تعاون با یکدیگر انجام می‌دهند. از آن جمله می‌توان همکاری در کوچیدن را نام برد. گروهی را که با هم کوچ می‌کنند، چه دو خانواده باشند و چه یک تش (حسینی

۱- راه پی (rahpey) پیمودن مسیر از مبدأ تا مقصد.

کازرونی، ۱۳۷۷) می‌توان گروه هم‌کوچ^(۱) نامید. بی‌تردید، گروه‌های هم‌کوچ واجد نوعی تقسیمات فرعی‌اند. حسینی کازرونی (۱۳۶۲) از واحدهای فرعی مال با نام قاش در خلال کوچ در بین عشایر بویراحمندی یاد می‌کند. علاوه بر این تقریباً تمامی افرادی که دربارهٔ کوچ به تحقیق پرداخته‌اند تصریحاً یا مضموناً به یک تقسیم کار در گروه‌های هم‌کوچ نیز اشاره می‌کنند. امان‌اللهی (۱۳۷۸) کاروان را گروه متشکل از زنان و کودکان و احياناً مردان همراه ایشان می‌داند که جابه‌جایی اسباب و اثاثیه بر عهده آن‌هاست و از گروه چوپانان که گله را هدایت و همراهی می‌کنند جدا هستند. این دو گروه در خلال ساعات راه‌پیمایی جدا از هم حرکت می‌کنند و فقط در مالگه به هم ملحق می‌شوند. پاپلی یزدی (۱۳۷۱)، دیگر (۱۳۶۹)، حسینی کازرونی (۱۳۷۷) و کیاوند (۱۳۷۴) نیز به چنین تقسیمی اشاره کرده‌اند. ساختار گروه در کوچ رمه‌گردانان نیز به اشکال متفاوتی وجود دارد. در کوچ پیاده رمه‌گردانان اسباب و لوازم مورد نیاز در مقصد توسط ارباب یا نمایندهٔ وی با وسیلهٔ شخصی یا کرایه به جایگاه مورد نظر رسانده می‌شود و گله به همراه شبانان مسیر معمول کوچ را طی می‌کند. در کوچ پاییزه گله‌های سبک را یک گروه کوچک دونفره و گله‌های سنگین‌تر را یک گروه چهارنفری همراهی می‌کنند. در گروه سادهٔ دونفره یکی از چوپانان که ارشدتر است صرفاً هدایت و البته مسئولیت گله را بر عهده دارد. لیکن فرد دیگر که دنبالبان^(۲) خوانده می‌شود وظیفهٔ جمع‌آوری هیزم، تهیهٔ آب، غذا و نظایر آن را بر عهده دارد. دنبالبان نمی‌تواند از چوپان و گله فاصلهٔ زیادی بگیرد. هم باید کار خودش را انجام دهد و هم به چوپان کمک کند. در مورد گله‌های سنگین دو مالبان با هم و دو چوپان به نحوی که شرح آن ذکر شد با هم حرکت می‌کنند. هم‌کوچی نیز در بین رمه‌گردانان وجود دارد. دو گله‌دار که گله‌های نسبتاً سنگین و هر کدام چهار نفر آدم دارند (دو نفر با گله و دو نفر هم با مال‌ها) هم‌کوچ یکدیگر می‌شوند. چهار مالبان با هم حرکت کرده، با هم به جمع‌آوری هیزم، برداشتن

۱- این واژه را آقای عزیز کیاوند نیز در کتاب *برزخ گذار* به کار برده‌اند.

۲- به تعبیری همان منزلبان است و پشتیبانی چوپان را بر عهده دارد؛ اما به اقتضای همراهی با چوپان، دنبالبان خوانده می‌شود.

آب، پخت نان و غذا و... می‌پردازند که البته در هر دو منزل بسته به کارهایی که باید انجام دهند نوعی تقسیم کار بین آن‌ها به وجود می‌آید. بر خلاف مالبانان که با هم حرکت می‌کنند، چوپانان به‌خاطر مجزا بودن گله‌ها جدا از هم هستند، ولی در مواقع لازم مثل دوشیدن شیر در مسیر کوچ برای پخت غذا یا نان به همدیگر کمک می‌نمایند. در کوچ ماشینی نیز یاریگری یا به عبارتی همکاری و هم‌کوچی وجود دارد. در موردی که نگارنده با آن‌ها همراه بود شش نفر گله‌دار با تعداد دام کاملاً نابرابر بلوک یا گله واحدی تشکیل داده و نوعی تقسیم کار به وجود آورده بودند و مجموع کار کوچ اعم از جست‌وجوی کامیون، بار کردن، مراقبت از دام‌ها در مسیر، پیاده کردن و... را بدون دغدغه خاطر و بدون نیاز به کارگر همراه انجام می‌دادند.

ج - تسریع و توقف کوچ

مشیری (۱۳۷۳)، طبیعی (۱۳۷۴)، ترکمان (۱۳۶۹)، و امان‌اللهی (۱۳۷۸) از توقف کوچندگان در مسیر کوچ در منزلگاه‌ها یاد کرده‌اند که امری محتمل است و بنا به دلایل متعددی ممکن است صورت پذیرد. از نگاه ایشان وقوع بارندگی، دیدار با آشنایان، خرید وسایل و نظایر آن از جمله عواملی هستند که توقف کوچ را موجب می‌شوند. البته دیگر (۱۳۶۹) معتقد است در منزلگاه‌ها به خاطر آن‌که گروه‌های دیگر از راه می‌رسند، اتراق بیش از یک شب در یک منزل کم‌تر امکان‌پذیر می‌گردد. رمه‌گردانان نیز از توقف در مسیر کوچ بهاره در مناطق خوش آب و علف که در گذشته رواج داشته است یاد می‌کنند. ولی در حال حاضر این امر به خاطر آن‌که بهره‌برداران مراتع قرقبان می‌گمارند تا گله‌های عبوری یا کوچنده را برانند، کم‌تر اتفاق می‌افتد. رمه‌گردانان این مناطق توقف در مسیر کوچ را **لنگ کردن** می‌گویند. لنگ کردن در حال حاضر به ندرت و در صورت رخ دادن مسئله‌ای نظیر گم شدن مال، برخوردن گله و نظایر آن و از طریق مدارا کردن با قرقبانان یا بهره‌برداران مراتع مسیر ممکن می‌گردد. علاوه بر این در کوچ پاییزه بنا به دلایلی نظیر کم‌علف بودن مسیر چنان‌چه فاصله اوگاه‌ها نیز کم باشد، به کوچ سرعت می‌بخشند که به این کار **دو آب یک آب کردن** می‌گویند.

د- کوچ و وسائط نقلیه

زندگی عشیره‌ای و ضرورت حمل مسکن و اسباب و اثاثیه از ییلاق به قشلاق و بالعکس اقتضا می‌کند تا علاوه بر دام گله از حیواناتی نیز برای باربری و سواری استفاده می‌شود. الاغ و اسب اولین حیواناتی هستند که برای باربری در تمام نقاط کشور نگهداری و استفاده می‌شوند. علاوه بر اسب و الاغ، عشایر قشقایی (بهمن‌بیگی، ۱۳۶۸) عشایر کرد شمال خراسان (پاپلی یزدی، ۱۳۷۱) و عشایر شاهسون (ترکمان، ۱۳۶۹) از جمله عشایری هستند که از شتر برای جابه‌جا کردن اسباب و اثاثیه استفاده می‌کنند. عشایر بختیاری و بویراحمدی (حسین کازرونی، ۱۳۶۲؛ ۱۳۷۷) و عشایر لرستان از گاو هم برای باربری در خلال کوچ استفاده می‌کنند. غیر از این حیوانات در قدیم از نرزه‌های گله نیز در حمل و جابه‌جایی جو به عنوان خوراک زمستانی استفاده می‌شده است (شاه حسینی و رنجبر، ۱۳۷۷). رمه‌گردانان نیز به طور گسترده‌ای از الاغ و اسب و به ندرت از قاطر^(۱) استفاده می‌کنند. الاغ معمولاً همراه گله و متعلق به چوپانان است. غالباً برای هر ۲۰۰ تا ۲۵۰ رأس یک الاغ نگهداری می‌شود. نگهداری از اسب یا مال نیز از ضروریات گله‌داری است. بسته به علاقه و توانایی و نیاز گله‌دار به ازای هر یکصد تا سیصد رأس دام یک رأس مال نگهداری می‌شود که استفاده و تیمار آن به عهدهٔ منزلبان است. اما علاوه بر چهارپایان باربر، وسایل نقلیهٔ موتوری نیز جایگاه و نقش مهمی در کوچ رمه‌گردانان دارند. جابه‌جا کردن اسباب و اثاثیه لازم برای اقامت در قشلاق، سرکشی به گله در خلال کوچ و نظایر آن استفاده از وانت‌بار را ضروری می‌نماید. چنانچه گله‌دار خود چنین وسیله‌ای را در اختیار داشته باشد، مشکلات کوچ نیز برای گروه چوپانان و مالبانان به حداقل می‌رسد. لیکن کرایه کردن آن ممکن است محدودیت‌هایی را موجب شود و به تبع آن، دشواری‌های کوچ بر دوش چوپانان و به خصوص مالبانان بیفتد.

۱- قاطر گرانهاست و در صورت مفقود شدن، زیان سنگینی به گله‌دار وارد می‌شود.

۵- کوچ و اعتقادات

دربارهٔ تعامل جنبه‌های اعتقادی و کوچ به سه مورد برجستهٔ ساعت‌بودن حرکت، زیارت اماکن متبرکهٔ مسیر، و پرداخت سهم سادات در مسیر کوچ می‌توان اشاره کرد. این اعتقادات عمدتاً در بین سال‌دیدگان جایگاه دارد و جوانان کم‌تر خود را مقید به رعایت چنین نکاتی می‌دانند.

ساعت‌بودن حرکت: در بین کوچندگان عشیره‌ای این اعتقاد وجود داشته و دارد که روز آغازین حرکت سعد باشد. نحس نبودن روز حرکت در بین عشایر لرستان (امان‌اللهی، ۱۳۷۸) بختیاری (کیاوند، ۱۳۷۴؛ حسینی کازرونی، ۱۳۷۷) و بویراحمدی (حسینی کازرونی، ۱۳۶۲) گزارش شده است. رمه‌گردانان نیز به سعد بودن و نحس نبودن روز آغازین حرکت اعتقاد دارند. مثلاً روزهای جمعه از ایام هفته و روز بیست‌ویکم از هر ماه قمری نحس شمرده می‌شود. ترجیح می‌دهند نحسی روز حرکت را با مراجعه به افراد خبره در این زمینه که ملا می‌خوانند، تعیین کنند.

زیارت اماکن متبرکهٔ مسیر کوچ: کوچندگان ایلی به بقعه‌های متبرکهٔ مسیر کوچ توجه و به کرامات خفتگان در این بقعه‌ها اعتقاد دارند. از این‌رو در خلال دورهٔ بیلاق یا قشلاق یا در حین کوچ به منظوره‌های مختلف نیت زیارت و نذر این اماکن می‌کرده‌اند و در هنگام گذشتن کوچ از کنار این اماکن به زیارت آن‌ها می‌پرداخته‌اند (ترکمان، ۱۳۶۹). در منطقهٔ البرز شرقی نیز دو بقعهٔ متبرکه در مسیر کوچ وجود دارد که در هنگام کوچ پاییزه یا بهار به زیارت این اماکن می‌رفته و گاهی نذرهایی را نیز در نظر می‌گرفته‌اند.

پرداخت سهم سادات: رمه‌گردانان در مسیر کوچ از نزدیکی قصبه‌ای می‌گذرند که کلاته خبیج نام دارد. همه‌ساله در حین کوچ بهار چند نفر از اهالی این قصبه که خود را سادات می‌خوانند، منتظر عبور رمه‌گردانان هستند و در برخورد با گله از چوپانان یا صاحبان گله بره یا بزغاله‌ای را به عنوان سهم خویش درخواست می‌نمایند. هر چند عین درخواست کم‌تر اجابت

می‌شود، ولی بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که با دست خالی از کنار گله بروند.^(۱)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کوچ چه در بین کوچندگان عشیره‌ای و چه در بین رومه‌گردانان از سه مرحله جداگانه تشکیل یافته است که عبارت‌اند از مقدمه کوچ (کارسازی)، خلال کوچ (راه‌پی) و مؤخره کوچ (جا گرم‌کردن). کارسازی شامل رسیدگی به امور گله و امور منزل و آماده ساختن آن‌ها برای کوچ می‌شود. راه‌پی عبارت است از طی مسیر کوچ از روز آغازین حرکت یا مال‌کنون^(۲) تا رسیدگی به مقصد. راه‌پی یا راه کوچ در بین کوچندگان عشیره‌ای بر اساس زنجیره نام منزلگاه‌ها و در کوچ رومه‌گردانان البرز شرقی بر اساس زنجیره نام منزلگاه‌ها و اوگاه‌ها به صورت یک‌درمیان مشخص می‌گردد. لنگ کردن، توقف بیش از یک شبانه‌روز در یک منزلگاه است که اغلب در بهار روی می‌دهد و دو آب یکی کردن یا به عبارتی دو منزل یکی کردن، سرعت بخشیدن به کوچ است که در پاییز روی می‌دهد. راه‌پی در کوچ ماشینی به سه قسمت مسیر قبل از ماشین، مسیر ماشین‌رو، و مسیر بعد از ماشین تقسیم می‌شود. هر چند امکان دارد مسیر قبل و بعد از ماشین بسیار کوتاه باشد. جاگرم‌کردن تتمه کوچ و شامل امور برپا کردن سرپناه، رفع کم و کسری‌ها، مرمت جایگاه و نظایر آن به مقصد اقامت چند ماهه می‌شود.

تحلیل کوچ و توجه به روال و جزئیات آن می‌تواند واقع‌بینی در ساماندهی کوچ را به دنبال داشته باشد. مثلاً نگارنده زمزمه ساماندهی ایلراه‌ها به منظور کاهش فشار چرا در ایلراه را شنیده و حتی در جایی با پیشرفت این ایده در قالب طرح تعادل دام و مرتع برخورد نموده است.

۱- نقل خاطره‌ای از یک چوپان:....گوسفندان در راه مرضی کرده بودند و ما وضع خوبی نداشتیم. از ارباب هم خبری نبود. به جلدختر که رسیدیم، دو سیدکلاته خجیجی آمدند که به ما یک بره‌ای، بزغاله‌ای بدهید. هرچه ما می‌گفتیم چوپانیم و اختیار نداریم قبول نمی‌کردند. گفتیم یک فالی بگیرد از این ارباب ما. یکی شان فال گرفت و گفت اربابتان تا یک ساعت دیگر این‌جا می‌آید. اتفاقاً یک ساعت هم شاید نگذشته بود که ارباب رسید.... آخرش ارباب به هر کدامشان نفری یک بره داد.

۲- بختیاری‌ها روز آغازین کوچ را مال‌کنون می‌گویند (کیاوند، ۱۳۷۴).

ساماندهی مسیر و روال کوچ بدون در نظر گرفتن تجارب و سوابق کوچ، امکان عدم مقبولیت پروژه‌ها را افزایش می‌دهد. واحدهای ترویجی در دستگاه‌های مربوطه می‌توانند با درک تجارب و اندوخته‌های کوچندگان و به بحث گذاشتن آن‌ها در دوره‌های ترویجی امکان تبادل نظر بین خود گروه‌های کوچنده با کارشناسان را فراهم نمایند و در چنین دوره‌هایی مشارکت به معنای واقعی کلمه را در سهیم کردن دانش و تجارب خود کوچندگان جست‌وجو و پایه‌ریزی کنند.

سیاسگزاری

نگارنده راهنمایی‌ها و حمایت‌های پیوسته و معنوی اساتید ارجمند آقایان دکتر علی‌اکبر مهرابی، دکتر مرتضی فراهادی و دکتر محمدرضا مقدم را سپاس فراوان می‌گذارد. همچنین از حاج سیدکمال حسینی و حاج صادق کاوه که نگارنده را جهت همراهی با گله، مورد عنایت خویش قرار دادند و از شبانانی که در خلال کوچ با نگارنده همکاری کردند و از مدیریت دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران به جهت پشتیبانی مالی سیاسگزار است.

منابع

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر. کوچ‌نشینی در ایران: پژوهش دربارهٔ عشایر و ایلات. تهران: آگه، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- امیراحمدی، بهرام. «لزوم تغییر الگوی زیستی کوچ‌نشینی در ایران»، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر. ۱۳۶۹، صص ۳۷۵-۳۹۲.
- انصاری، عبدالناصر. «تراژدی کوچ»، فصلنامهٔ عشایری ذخایر انقلاب. ش ۲۱، ۱۳۷۸، صص ۱۶۵-۱۶۸.
- بخشنده نصرت، عباس. «برنامه ریزی توسعه زندگی عشایری از دیدگاه فضایی»، فصلنامهٔ عشایری ذخایر انقلاب. ش ۱۹، ۱۳۷۱، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- بونت پی‌یر، هانری گیوم؛ فرانکو زکین. «کوچ‌نشینان: جوامع و محیط زیست‌های در حال

- تغییر». ترجمه محسن حکیمی. طبیعت و منابع. ش ۵، ۱۳۷۵، صص ۲-۱۰.
- بهداروند، اکبر. «کوچ ایل»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب. ش ۷، ۱۳۶۸، ص ۱۵۵.
- بهمن بیگی، محمد. بخارای من ایل من. تهران: آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. کوچ نشینی در شمال خراسان. ترجمه اصغر کریمی. مشهد: مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- ترکمان، منوچهر. آشنایی با جامعه عشایری ایران. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۹.
- حاجتی، مهدی. «گزینه ترکیبی رمه گردانی و اسکان بهترین استراتژی توسعه زندگی عشایر»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب. ش ۱۹، ۱۳۷۱، صص ۱۷۸-۲۰۵.
- حسینی کازرونی، محمدرضا. کوچ مال کابراهیم، مجموعه کتاب آگاه: ایلات و عشایر. تهران: آگاه، ۱۳۶۲، صص ۶۴-۱۰۱.
- حسینی کازرونی، محمدرضا. «پا به پای کوچ» (قسمت اول)، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب. ش ۲۰، ۱۳۷۷، صص ۱۱۵-۱۲۹.
- جمشیدیان، مسعود. «استراتژی توسعه زندگی عشایر بر محور رمه گردانی»، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر. تهران: سازمان امور عشایر، ۱۳۶۹، صص ۳۷۴-۳۵۵.
- دیگار، ژان پی. یر. فنون کوچ نشینان بختیاری. ترجمه اصغر کریمی. مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- رئیسی بختیاری، داراب. «کوچ بهاره ایل بختیاری»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب. ش ۱۳، ۱۳۶۹، صص ۱۰۱-۱۰۳.
- سام آرام، عزت الله. «از غرب خانه عشایری تا سرای سالمندان خصوصی تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی. ش ۴۳، ۱۳۷۲، صص ۱۵۳-۱۶۵.
- شاه حسینی، علیرضا؛ عنایت الله، رنجبر. ایل ها و عشایر استان سمنان. سمنان: انتشارات اتحادیه تعاونی های عشایری استان سمنان، ۱۳۷۸.

- طاهری، تقی. «دامداری ویژه سنگسری، نمونه‌ای درخور پیروی»، فصلنامه‌ی عشایری
ذخایر انقلاب. ش ۱۹، ۱۳۷۱، صص ۸۱-۸۳.
- طبیبی، حشمت‌الله. مبانی جامعه‌شناسی ایلات و عشایر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- عباسی معروفان، حسن. «کوچ و شور و شوق آن»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب.
ش ۱۷، ۱۳۷۰، صص ۱۲۱-۱۲۴.
- قرخلو، مهدی. «روند مهاجرت و افق کوچ‌نشینان ایل قشقایی (طایفه دره‌شوری)»،
فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب. ش ۸ و ۹، ۱۳۶۸، صص ۵۳-۶۵.
- کریمی، ذبیح‌الله. «کوچ پاییزه»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب. ش ۸ و ۹، ۱۳۶۸،
صص ۲۱۹-۲۲۵.
- کریمی، ذبیح‌الله. «دالو»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب. ش ۱۱، ۱۳۶۹، صص
۱۴۹-۱۵۲.
- کریمی، ذبیح‌الله. «گلایه»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب. ش ۱۴، ۱۳۷۰، صص ۱۴۷-۱۵۱.
- کیاوند، عزیز. در برزخ گذار: بررسی طایفه بامدی از ایل بختیاری. تهران: شرکت
انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مجیدی، کریم. «عشایر و تغییر الگوی دامداری»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب.
ش ۲۱، ۱۳۷۸، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- مشیری، سیدرحیم. جغرافیای کوچ‌نشینی (مبانی و ایران). تهران: سمت، چاپ دوم،
۱۳۷۳.
- موسوی‌نژاد، ابراهیم. «عشایر و تحولات اداری»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب. ش
۲۷ و ۲۸، ۱۳۷۹، صص ۱-۴.
- میرشکاری، فریدون. «استراتژی توسعه‌ی زندگی عشایری»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر
انقلاب. ش ۸ و ۹، ۱۳۶۸، صص ۸۳ و ۹۴.
- هرمزی، سلیمان. «کوچ»، فصلنامه‌ی عشایری ذخایر انقلاب. ش ۱۱، ۱۳۶۹، صص
۱۱۷-۱۱۸.